



گفتنی‌هایی درباره رابطه اخیر تهران و آنکارا

سفر رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به ترکیه که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بی‌سابقه خوانده شده است، علامتی مهم در رسیدن دو کشور به نقاط مشترک در پرونده‌های حساس به حساب می‌آید.

به گزارش آران نیوز، سعدالله زارعی طی یادداشتی در روزنامه کیهان نوشت: سفر رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به ترکیه که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بی‌سابقه خوانده شده است یک علامت مهم در رسیدن دو کشور به نقاط مشترک در پرونده‌های حساس به حساب می‌آید چرا که پیش از این گفته می‌شد تهران و آنکارا علیرغم داشتن دیدگاه‌های مشترک در خیلی از مسائل سیاسی و نیز علیرغم روابط فعال اقتصادی، در حوزه امنیت و بخصوص مسائل امنیتی مرتبط با دو کشور عراق و سوریه اختلاف جدی دارند. سفر سرلشکر باقری به آنکارا که به دعوت رسمی مقامات نظامی ترکیه صورت گرفته و با موافقت رهبر معظم انقلاب اسلامی توأم گردیده است، نشان می‌دهد شرایط جدیدی در منطقه در حال شکل‌گیری است. کما اینکه بروز نشانه‌هایی از تغییر در رفتار امنیتی سعودی‌ها دلیل دیگری است که از شرایط جدید خبر می‌دهد. در این خصوص گفتنی‌هایی وجود دارد:

1- ترکیه از ابتدای بحران سوریه تا چندی پیش از یک طرف ارتباط گسترده‌ای با گروه‌های تروریستی نظیر النصرة داشت و از سوی دیگر به شکل غیر دموکراتیکی خواستار تغییر نظام سیاسی سوریه بود و در این بین به مهمترین و مؤثرترین مخالف نظام سوریه تبدیل شده بود. مواضع ترکیه علیه دولت اسد نه تنها روابط این کشور با سوریه را تحت تأثیر قرار داد، بر روابط ترکیه و ایران نیز اثر جدی گذاشته بود و این اواخر به اظهارنظرهای تند مقامات آنکارا علیه ایران منجر گردید. این وضعیت اگرچه برای سوریه و مهمترین همپیمان آن یعنی ایران هزینه‌هایی نیز در پی داشت اما در عمل به تغییر معادله در دمشق و یا به تجدیدنظر در تهران منتهی نشد. کودتای تابستان سال قبل ارتش علیه دولت اردوغان و خرسندی آشکار سعودی‌ها و آمریکایی‌ها از این کودتا که منجر به اظهارات گلايه‌مندانه اردوغان گردید یک تلنگر به حزب حاکم بر ترکیه وارد کرد و اثر آن تا آنجا بود که چند روز پس از کودتا، رجب طیب اردوغان اعلام کرد که به زودی مواضع جدید ترکیه درباره بحران سوریه را اعلام خواهد کرد. اما هر چند او برخلاف وعده‌ای که داد، عقب‌نشینی بیانی از مواضع خود را مناسب ارزیابی نکرد و در اظهارات او نشانی از تغییر مشاهده نگردید اما در عمل این تغییر تا حد قابل توجهی اتفاق افتاد. شرکت ترکیه در مذاکرات صلح آستانه که آشکارا بدیل مذاکرات ژنو پیرامون سوریه به حساب می‌آمد و با نارضایتی آمریکایی‌ها و سعودی‌ها توأم بود، نشانه واضحی از تغییر رویکرد ترکیه در بحران امنیتی سوریه محسوب می‌شد.

مذاکرات آستانه به مرور دایره گسترده‌تری پیدا کرد و برخلاف مذاکرات ملالت‌آور ژنو در زمانی کوتاه به نتایج قابل توجهی دست یافت که اجرای آتش‌بس در مناطقی و توافق بر سر «مناطق کمتر درگیر» از جمله آنها به حساب می‌آید.

2- مذاکرات آستانه سه ضلع حمایت‌کننده دارد: روسیه، ایران و ترکیه. در این بین به دلیل روابط پیشینی تهران-مسکو و مشترکات دو کشور در پرونده سوریه این سؤال همیشه مطرح بود که همکاری‌های آستانه نفع بیشتر کدام دو ضلع مثلث ایران، روسیه و ترکیه را در پی دارد و پاسخ‌ها عمدتاً این بود که ایران و روسیه چرا که بیش از ترکیه بر پرونده امنیتی سوریه اثرگذارند. این موضوع ترکیه را وادار کرد که به روابط آنکارا-مسکو از یک طرف و روابط آنکارا-تهران از طرف دیگر تحرک بیشتری ببخشد. این اتفاق در عمل وضع بهتری را برای ترکیه پدید آورد و در عین حال به مرور توقعات بلندپروازانه‌ای را نیز برای دولت اردوغان در پی داشت.

دعوت مقامات ارشد ترکیه از سردار باقری رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح ایران که پس از فرمانده کل قوا، مهمترین پست نظامی ایران به حساب می‌آید، از یک سو در راستای گرم‌تر کردن روابط ایران و ترکیه و از سوی دیگر برای حل چند دغدغه امنیتی ترکیه صورت گرفته است. ترکیه از یک سو درباره «ادلب» توقعاتی دارد و از روسیه و ایران می‌خواهد تا آنجا که ممکن است در مدیریت این استان که عمدتاً تحت سیطره النصرة می‌باشد، محوریت ترکیه را بپذیرند و این در حالی است که ادلب شرایط حساسی دارد و ایران به عنوان امین مردم و دولت سوریه نمی‌تواند چیزی را بپذیرد که می‌داند در آینده به یک «گره‌گور» تبدیل خواهد شد. دولت ترکیه از سوی دیگر از شرایط پس از آزادسازی سوریه از سیطره گروه‌های تکفیری تروریستی نگران است چرا که از یک سو با پایان جنگ، تروریست‌ها به خاطر آنکه سال‌ها هم‌پیمان سرویس اطلاعاتی و ارتش ترکیه بوده‌اند، توقع دارند در سرزمین ترکیه برای آنان جا و مکانی در نظر گرفته شود و این حمایت پس از آن نیز ادامه داشته باشد و از سوی دیگر در میان همسایگان سوریه، ترکیه به دلیل مختصات جغرافیایی و اقتصادی و تنوع قومیتی، بهترین موقعیت برای استقرار این گروه‌ها به حساب می‌آید. طبعاً اگر فرمولی در آستانه برای این موضوعات پیدا نشود و مسکو و تهران، ترکیه را در این دغدغه تنها بگذارند، شرایط دشواری در انتظار ترکیه خواهد بود. باید به این نکته اضافه کرد که ترکیه در حالی در بازی سوریه حضور پیدا کرده که برای تأثیرگذاری بر آن بخش‌هایی از خاک کشور همسایه را به تصرف خود درآورده است اما در عین حال با دولت سوریه، رابطه رسمی ندارد و دمشق اعتمادی به سیاستمداران توطئه‌گر آنکارا ندارد بنابراین هر چه سوریه به سمت آرامش بیشتر حرکت کند، ترکیه به روابط سیاسی فعال‌تری در پرونده سوریه نیازمند خواهد بود. از آنجا که فعلاً یخ‌های بین دمشق و آنکارا آب نشده‌اند، ترکیه به ریسمان متحد سوریه چنگ زده و امیدوار است این روابط بتواند قفل روابط آنکارا با دمشق را بگشاید.

3- اصرار ترکیه به همراهی تهران و مسکو با طرح آنکارا درباره ادلب البته خیلی بعید است به جایی برسد چرا که واگذاری ضمانت آتش‌بس محدود به ترکیه در ادلب سبب تقویت النصرة می‌شود چه اینکه با توجه به حضور نظامی ترکیه از اعزاز تا نزدیکی‌های منبج، ترکیه می‌تواند به یک الحاق با تکفیری‌های النصرة که متحد ترکیه در فاصله سال‌های 2013 تا 2016 به حساب می‌آمده‌اند، دست یابد و در نهایت بازسازی قدرت النصرة را در پی داشته باشد. آزاد شدن دست‌های النصرة در ادلب و زمان دادن به آن، مناطق آزاد شده دیگر نظیر حلب و تدمر و عرسال و حمص و حماه را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهد از این رو دولت سوریه نمی‌تواند به منطقه‌ای به اصطلاح کمتر درگیر تن بدهد که تنها ارتش ترکیه ضامن اجرای شرایط توافق شده در آستانه باشد.

نکته مهم دیگر این است که دولت سوریه ترجیح می‌دهد ادلب در سیطره النصرة باشد تا در سیطره ترکیه و یا در سیطره مشترک ترکیه و النصرة چرا که از نظر دمشق رفتار دولت ترکیه به اندازه رفتار النصرة آزاردهنده بوده است. براین اساس هم دولت سوریه و هم دولت ایران تأکید دارند که اگر قرار است منطقه ادلب شامل مناطق کمتر درگیر شود و براساس آنچه در نشست‌های چهارم و پنجم روی آن تأکید شد سبب بازگشت شهروندان آواره به این شهر گردد، باید به لازمه حتمی آن که ضمانت جبهه مقاومت است، توجه گردد. استدلال این است که النصرة اگر مهار نشود، بحران امنیتی سوریه استمرار می‌یابد و در این میان با توجه به خوی تفرعن النصرة و حقدی که هنوز در مقامات ترکیه علیه دولت سوریه مشاهده می‌شود، النصرة را فقط محور مقاومت می‌تواند مهار نموده و آنان را پای میز مذاکره بکشاند. سوریه در عین حال در مورد ادعاهای ارضی ترکیه راجع به این منطقه که پیش از این و حتی در حین بحران از زبان مقامات ارشد ترکیه شنیده شد، نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد.

به هر روی آنچه در این میان قابل اشاره است این است که ترکیه با محدودیت‌های زیادی مواجه می‌باشد و این محدودیت‌ها ترکیه را به جمع‌بندی تازه‌ای وادار کرده است. مقامات آنکارا ناگزیرند در پرونده ادلب کوتاه بیایند چرا که بدون آن گفت‌وگو میان آنان و مقامات سوریه و ایران به جایی نمی‌رسد. ترکیه در پرونده سیاسی سوریه یک ضعف

بزرگ دارد و آن قطع روابط رسمی با سوریه است و این در حالی است که روابط دو ضلع دیگر با دولت دمشق استراتژیک یا در مرز رابطه استراتژیک قرار دارد اگر ترکیه می‌خواهد در پرونده سیاسی سوریه تاثیر تعیین‌کننده‌ای داشته باشد باید در برقراری رابطه با دمشق از وقت‌گذرانی بپرهیزد.

4- علامت‌هایی که از سوی عربستان نیز مشاهده می‌گردد بر پدید آمدن سطحی از آمادگی مقامات ریاض برای بازتعریف رابطه سیاسی با تهران حکایت می‌کند. هر چند دولت عربستان در بیانیه‌ای رسمی اظهارات وزیر کشور عراق قاسم الاعرجی مبنی بر درخواست بن‌سلمان از او برای میانجیگری در روابط با تهران را تکذیب کرد اما همه می‌دانند که الاعرجی از نزد خود نمی‌تواند ادعایی را مطرح کرده باشد کما اینکه ملائمت رژیم سعودی در مواجهه با زائران ایرانی بیت‌الله‌الحرام و واگذاری سه دفتر دیپلماتیک ایران در عربستان به وزارت خارجه ما به بهانه حل مشکلات زائران ایرانی صورت گرفت و درخواست ریاض برای اعزام هیئتی به منظور بازدید از سفارت تعطیل شده عربستان در تهران نشانه‌هایی از این موضوع به حساب می‌آیند.

گرچه نمی‌توان با قاطعیت سخن گفت اما نشانه‌هایی وجود دارد که می‌گویند عربستان نیز مانند ترکیه پس از حمایت پرهزینه از تروریزم تکفیری و تجاوز نظامی به خاک همسایه و تنها ماندن در معرکه نظامی و به مرور درگیر شدن با متحدان عرب دیروز خود به این نتیجه رسیده است که قطار سیاست بر این ریل پیش نمی‌رود. بر این اساس می‌توان گفت هرچند بن‌سلمان پختگی لازم را ندارد تا به سرعت حرکت در مسیر اشتباه را متوقف کند اما در عین حال «دست‌های خالی» به او یادآوری می‌کنند که باید تجدیدنظر کرد.

بله ترکیه و عربستان از بسیاری جهات قابل مقایسه نیستند اما در عین حال از آنجا که در روند تهاجم تکفیری‌ها به منطقه حکایت واحدی دارند، طبعاً در شرایطی که پس از شکست شبه‌نظامیان تکفیری در عراق و سوریه پدید می‌آید، وضع مشابهی پیدا می‌کنند و برای هر دو عاقلانه‌ترین راه این است که پنجره‌های بسته به سمت ایران را باز کنند و اجازه دهند هوای تازه‌ای وارد ریاض و آنکارا شود.